دو فصلنامه آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده
۱۳۹٤ ،۱(۱) ،٤٦-۵۸
دریافت: ۱۳۹۳/۸/۱۱
پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۲۰

Family Pathology, Counseling &Enrichment Journal
2014, 1 (1),32-45
Received:2, Nov, 2014
Accepted: 9, Feb, 2015

بررسی رابطه بین طرحواره های ناسازگار با تعارض زناشویی و بی ثباتی زناشویی در بین زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی

Investigating the Relationship Between Early Maladaptive Schemas with Marital Conflict and Instability in the Couples of Applicant of Divorce and Normal Couples

فرهاد اصغری*
عباس صادقی**
سمیه زارع خاکدوست***
مرجان انتظاری****

Farhad Asghari
Abbas Sadeghi
Somayeh Zare Khakdoost
Marjan Entezari

چکیده

در پژوهش حاضر بررسی رابطه بین طرحواره های ناسازگار اولیه با تعارضات و بی ثباتی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی شهر رشت صورت گرفت. طرح این پژوهش از نوع علی مقایسه ای بوده است. جامعه آماری پژوهش عبارت بود از زوجین متقاضی طلاق از بین زوجین متقاضی طلاق که به دادگاه خانواده شهر رشت مراجعه نموده بودند و زوجین عادی شهر رشت که در حال ادامه زندگی مشترک خود هستند. از میان زوجین متقاضی طلاق ۷۵ زوج به صورت تصادفی و از میان زوجین عادی نیز ۷۵ زوج به روش خوشه ای چند مرحله انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه طرحواره های ناسازگار یانگ، ویرایش سوم (فرم کوتاه ۹۰سوالی)، پرسشنامه تعارض زناشویی کنزاس (۱۹۸۵) و پرسشنامه بی ثباتی زناشویی ادوارد و همکاران (۱۹۸۰) بود. برای آزمودن فرضیه-های تحقیق با توجه به نرمال نبودن توزیع متغیر های اصلی پژوهش از کروسکال-والیس و ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. یافته-هانشاندادکهمیزان بی ثباتی زناشویی درزوجین متقاضی طلاق بیشتر از زوجین عادی بوده و میزان تعارضات زناشویی درزوجین عادی نسبت به زوجین متقاضی طلاق افزایش نشان داده است. همچنین بین طرحواره های ناسازگار اولیه و تعارضات زناشوییدر زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی و بین طرحواره های ناسازگار اولیه و بی ثباتی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه مستقیم وجود دارد. بنابراین بین سن افراد و تعارضات زناشوییدر زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی رابطه معکوس وبینسن افراد و بی ثباتی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی رابطه مستقیم وجود دارد.

واژه های کلیدی: طرحواره های ناسازگار اولیه، تعارض زناشویی، بی ثباتی زناشویی، طلاق

Abstract

The present study examined the relationship between early maladaptive schemas with marital conflict and instability in the couples of applicant of divorce and normal couples in Rasht. This study was a causal-comparative design. The study samples consisted of couples of applicant of divorce were referred to family court in Rasht and normal couples. 75 couples were selected randomly among the couples of applicant of divorce and another 75 couples were chosen between normal couples using multi-stage cluster sampling. Instruments included incompatible Young Schema Questionnaire, Third Edition (Short Form 90 Questionnaire) , Kensas Marital Conflict Scale (1985) , and Edwards Marital Instability Index (1980). To test the research hypotheses Kruskal-Wallis Test and Spearman Correlation Coefficients were used. Findings showed that marital instability in the couples of applicant of divorce are more than normal couples and marital conflict in normal couples are more than couples of applicant of divorce. There is a direct relationship between early maladaptive schemas and marital conflict in the couples of applicant of divorce and normal couples and early maladaptive schemas and marital instability in the couples of applicant of divorce. Therefore, there is an inversed relationship between age and marital conflict in the couples of applicant of divorce and normal couples and a direct relationship between age and marital instability in the couples of applicant of divorce and normal couples.

Keywords: early maladaptive schemas, marital conflict, marital instability, divorce

* استادیار گروه مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، ایران
** دانشیار گروه مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، ایران
*** کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی
**** دانشجوی کارشناسی مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، ایران، marjan.entezari713@gmail.com

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.4.3]

مقدمه

خانواده یکی از رکن های اصلی جامعه به شمار می رود. دستیابی به جامعه سالم، آشکارا در گرو سلامت خانواده و تحقق خانواده سالم، مشروط به بهره مندی اعضاء آن از سلامت روانی و داشتن روابط مطلوب با یکدیگر است (دیویس[1]، ترجمه بهاری، ۱۳۸۲). مشکلات زناشویی از همان ابتدا وجود داشته، اما دلایل پیچیده ماندن مشکلات زناشویی آن است که ما هنوز بعد از گذشت قرنها خانواده را نمی شناسیم. تعارض در روابط وقتی بروز می کند که رفتار یک شخص با توقعات شخص دیگر جور درنیاید. (دیویس، ترجمه بهاری، ۱۳۸۲). تعارض زناشویی از ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضای آنها، خودمحوری، اختلاف در خواسته ها، طرح های رفتاری و رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج ناشی است (فرحبخش، ۱۳۸۳).مشکلات ارتباطی از رایج ترین مشکلاتی است که زوجین بیان می کنند. بیش از ۹۰ درصد زوجهای آشفته این مشکلات را به عنوان مسئله اصلی در روابط خود بیان میکنند (رضازاده، ۱۳۸۷). اختلافات خانوادگی می تواند به گسست پیوند اجتماعی ازدواج و وقوع طلاق منجر شود و زمینه ی فاصله و گسست نسل ها را فراهم آورد. از این رو بررسی علمی عوامل موثر بر گرایش زوجین به طلاق می تواند مبنایی برای برنامه ریزی به منظور پیشگیری از وقوع طلاق و کاهش آن در جامعه محسوب گردد (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶). در بررسی علت طلاق افزون بر عوامل اجتماعی، اقتصادی و حقوقی علل فردی و روانشناختی از جمله طرحواره ها از اهمیتی ویژه برخوردارند (یوسفی، ۱۳۸۹).طرحواره ها سازه هایی هستند که بر اساس واقعیت یا تجربه شکل می گیرند و به عنوان واسطه، پاسخ های رفتاری افراد را تحت تأثیر قرار می دهند (یانگ[2]، ۲۰۰۳).یانگ (۱۹۹۴)، زیرمجموعه ای از طرحواره ها را پیشنهاد می کند که طرحواره های ناسازگار اولیه نامیده می شوند. (یانگ، ۲۰۰۳). طرحواره های ناسازگار اولیه اساساً مضامین نا آشکار و نا هشیارند که توسط افراد حفظ می شوند. این طرحواره ها به عنوان الگویی برای پردازش تجارب به کار می روند و نتیجتاً در سرتاسر زندگی گسترش مییابند و رفتارها، افکار، احساسات و روابط بین شخصی را تعیین می کنند. طرحواره های ناسازگار اولیه غالباً ناکارآمد و پایدارند. طرحواره ها مطابق با پنج نیاز تحولی کودک به پنج حوزه ی، بریدگی و طرد[3]، خودگردانی و عملکرد مختل[4]، محدودیت های مختل[5]، دیگرجهت مندی[6]، گوش به زنگی بیش از حد و درصد بازداری[7] تقسیم شده اند که هر کدام شامل چند طرحواره است: حوزه بریدگی و طرد شامل طرحواره های: رهاشدگی/ بی ثباتی، بی اعتمادی/ بدرفتاری، محرومیت هیجانی، نقص/ شرموانزوای اجتماعی/ بیگانگی است.

---

[1]-Davis
[2]-Young
[3]-Disconnection and Rejection
[4]-Impaired Autonomy and Performance
[5]-Impaired Limits
[6]-Other- Directedness
[7]-Overvigilance / Inhibition

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.4.3]

حوزه خودگردانی و عملکرد مختل شامل طرحواره های: وابستگی/ بی کفایتی، آسیب پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، خود تحول نیافته/ گرفتار و شکست میباشد. حوزه محدودیت های مختل شامل: استحقاق/ بزرگ منشی، خویشتنداریوخود انضباطی ناکافی است. حوزه دیگر جهت مندی شامل طرحواره های: اطاعت، ایثار و پذیرش جویی می باشد. و حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری شامل طرحواره های: منفی گرایی/ بدبینی، بازداری هیجانی، معیارهای سر سختانه/ عیب جویی افراطی و تنبیه میباشد (یانگ، ترجمه صا حبی و حمیدپور، ۱۳۸۴).

فرض بر این است که طرحواره ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم باعث بروز مشکلات و ناراحتی هایی نظیر افسردگی، تنهایی یا روابط مخرب دیگر می شوند. (شران و اوربل[1]، ۲۰۰۰). ثبات زناشویی از سوی دیگر وضعیتی است که در آن هر دو، زن و شوهر از صلح و آرامش نسبی لذت می برند و توسط درک یکدیگر عشق را به ارمغان می آورند. و از یکدیگر بدون هیچ قصدی برای شکستن ازدواج خود مراقبت و حمایت می کنند. (ادزانیا[2]، ۲۰۰۲) در مقابل هر گونه رابطه ای که با ویژگی های ذکرشده نباشد منجر به بی ثباتی زناشویی می شود. بی ثباتی زناشویی به تازگی دچار افزایش سریعی شده است (ایستات[3]، ۲۰۰۷). یوسف نژاد و پیوسته گر (۱۳۹۰) در پژوهشی با هدف تعیین رابطه رضایت از زندگی با طرحواره های ناسازگاراولیه در دانشجویان به این نتایج دست یافتند که بین محرومیت هیجانی، انزوای اجتماعی، نقص/شرم، شکست، وابستگی/بی کفایتی، آسیب پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، اطاعت، از خودگذشتگی، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه/عیب جویی افراطی، خویشتن داری و خود انضباط ناکافی با رضایت از زندگی رابطه منفی معنادار وجود دارد. رضوی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین طرحواره های ناسازگار اولیه و نگرش به نحوه انتخاب همسر رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. تقی پور جوان و همکاران (۱۳۹۱)، در تحقیقی دریافتند که بین بخشش زناشویی، تعارضات زناشویی و سلامت روانی رابطه معنادار وجود دارد. هرچه سلامت روان زوجین بیشتر باشد تعارضات زناشویی کمترشده و در نتیجه تعارضات کمتر باعث افزایش بخشیدن اشتباههای شریکزندگی خواهد شد. نیک منش وپیراسته مطلق (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان « طرحواره های ناسازگار اولیه و کیفیت زندگی»، نتایج نشان داد که بین ابعاد طرحواره های ناسازگار اولیه و کیفیت زندگی همبستگی معکوس و معناداری مشاهده می شود. همچنین نتایج نشان داد از بین ابعاد طرحواره های ناسازگار اولیه فقط ابعاد خودگردانی و عملکردهای مختل توانسته بعد سلامت روان و سلامت جسمی کیفیت زندگی را پیش بینی کند.

پناهی فر، یوسفی و امانی (۲۰۱۳) در پژوهش خود دریافتند که خانواده درمانی طرحواره-محور در محیط کار با متقاضیان طلاق می تواند در بالا بردن سطح سازگاری طرحواره های ناسازگار اولیه مانند افزایش آگاهی و درک متقابل در بالا بردن

[1]-Sheeran & Orbell
[2]-Adesanya
[3]-Istat

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.4.3]

سطح سازگاری افراد مؤثر باشد. تودسکو[1] (۲۰۱۲) در پژوهشیبه بررسی سابقه اجتماعی خانوادگی و بی ثباتی زناشویی در ایتالیا پرداخت که یافته ها نشان داده در ایتالیا هر چه سابقه اجتماعی خانوادگی بالاتر، خطر قطع زناشویی نیز بالاتر می باشد. دیو و داکین[2] (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «اختلافات مالی و تعارضات زناشویی»دریافتند که اختلافات مالی از بین پیش بینی کننده های تعارضات زناشویی باعث به وجود آمدن بحثهای غضب آلود بیشتری نسبتبه بحثهای آرام می شود. در پژوهشی دیگر توسط فیرکلاس[3] و همکاران (۲۰۱۱) نتایج نشان داد که اثربخشی طولانی مدت برنامه های روان درمانی در بهبود تعارض زناشویی در خانواده ها موثر است. مانرینگ[4] و همکاران (۲۰۱۱) در بررسی ارتباط طولی بین بی ثباتی زناشویی و مشکلات خواب کودکان، دریافتند که بی ثباتی زناشویی پیش بینی کننده الگوهای خواب در اوایل دوران کودکی است چینگ[5] (۲۰۱۰) در پژوهشی در تایوانبه این نتیجه رسید که آموزش هم بصورت عملی وهم تئوریدر مدیریت تعارض زناشویی و نیز رضایت زناشویی تاثیر دارد. فارل، شاو و وبر (۲۰۰۹) در پژوهشی به بررسی تاثیر گروه درمانی با رویکرد طرحواره محور روی افراد دارای اختلال شخصیت مرزی پرداختند. یافته ها نشان داد که گروه درمانی با رویکرد طرحواره محور یک درمان مؤثر جهت بهبود در عملکرد کلی ارتباطی افراد نمونه بوده است.

با توجه به مسایل ذکر شده، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین طرحواره های ناسازگار اولیه با تعارض زناشویی و بی ثباتی زناشویی در بین زوجین متقاضی طلاق و عادی در شهر رشت صورت گرفته است. و بر این اساس، فرضیه های پژوهش به این شرح بررسی می شوند: ۱-بین طرحواره های ناسازگار اولیه و تعارضات زناشویی در زوجین متقاضی طلاق و عادی رابطه وجود دارد. ۲- بین طرحواره های ناسازگار اولیه و بی ثباتی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق و عادی رابطه وجود دارد.

روش

با در نظر گرفتن هدف تحقیق که بررسی رابطه بین طرحواره ها ی ناسازگار اولیه با تعارضات و بی ثباتی های زناشویی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی است از طرح تحقیق علی-مقایسه ای استفاده شده است.

جامعه مورد تحقیق عبارت بودند از زوجین متقاضی طلاق از بین زوجین متقاضی طلاق که به دادگاه خانواده شهر رشت مراجعه نموده اندو زوجین عادی شهر رشت که در حال ادامه زندگی مشترک خود هستند. روش نمونه گیری زوجین متقاضی طلاقبصورت تصادفی می باشد که از بین مراجعین متقاضی طلاق دادگاه خانواده شهر رشت صورت گرفت. نمونه گیری این

[1]-Todesco
[2]-Dew & Dakin
[3]-Faircloth
[4]-Mannering
[5]-Cheng

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.4.3]

تحقیق در دو مرحله انجام گرفت: ابتدا با مراجعه مکرر به مرکز کاهش طلاق شهر رشت، زوجین متقاضی طلاق (که اجباراً از دادگاه خانواده شهر رشت به این مکان ارجاع داده شده بودند) به صورت تصادفی انتخاب شده و پرسشنامه های مربوطه (طرحواره های ناسازگار، تعارض زناشویی و بی ثباتی زناشویی) را تکمیل کردند. در مرحله بعد روش نمونه گیری زوجین عادیبصورت خوشه ای چند مرحله ای می باشد. به طوریکه باتوجه به محدوده زندگی زوجین متقاضی طلاق به تناسب، زوجین عادینیز در همان مناطق انتخاب شدند که این کار با کمک اداره پست صورت گرفت. در اولین مرحله لیست کد پستی منازل از اداره پست تهیه شده و سپس از لیست تهیه شده به صورت تصادفی به تعداد۷۵کدپستی از ۵منطقه شهر رشت (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) انتخاب گردید.با مراجعه به این منازل باز هم از زوجین درخواست شد که بصورت مستقل و جداگانه و با دقت به پرسشنامه های مربوطه پاسخ دهند. ملاکهای ورود به این تحقیق: ۱-سطح تحصیلات حداقل دیپلم. ۲- دارا بودن سن ۲۰ تا ۴۰ سال

۳-طول مدت ازدواج بالاتر از ۳سال.

پس از جمع آوری پرسشنامه ها با استفاده از شاخصهای آمار توصیفی نظیر فراوانی، درصد فراوانی و نمودار، ویژگی های جمعیت شناسی نمونه مورد مطالعه مانند ویژگی زوج، جنسیت، سن، تحصیلات، فرزند چندم، تعداد فرزند، سن ازدواج و میزان تقریبی درآمد خانوده توصیف شده استو سپس برای آزمودن فرضیه های تحقیق با توجه به نرمال نبودن توزیع متغیر های اصلی پژوهش از معادل ناپارامتریک MANOVA (آنالیز واریانس چند متغیری) یعنی کروسکال-والیس (Kruskal-Wallis) و همچنین از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. نمونه های این تحقیق شامل۱۵۰ نفر (۷۵ زوج) افراد متقاضی طلاق و ۱۵۰ نفر (۷۵زوج) افراد عادی می باشند.

ابزارها:

الف: **پرسشنامه تعارض زناشویی کنزاس (KMCS):**

مقیاس تعارض زناشویی کنزاس در سال ۱۹۸۵ توسط موگسلی، اگمن و آرچم به منظور سنجش میزان تعارضات زناشویی ساخته شد.

KMCS مقیاسی سه قسمتی است که برای سنجش مراحل تعارض زناشویی طرح شده است. مرحله اول ۱۱ عبارت، مرحله دوم ۵ عبارت و مرحله سوم ۱۱ عبارت دارد که روی هم شامل ۲۷ عبارت است. مقیاس بر پایه تحقیقات مشاهده ای است که نشان می دهد زوج های مضطرب و غیر مضطرب در سه مرحله تعارض زناشویی متفاوت هستند که شامل برنامه سازی، بحث و مجادله و مذاکره است.هر آیتم توسط مقیاس درجه بندی ۵ تایی نمره گذاری می شود (۱= هرگز ۲= به ندرت ۳= گاهی

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.4.3]

اوقات ۴= اغلب ۵= تقریبا همیشه). این پرسشنامه در ابتدا روی ۱۰ زوج که عمدتا سفیدپوست بوده و در طرح غنی سازی ازدواج در کنزاس داوطلب شده بودند مورد بررسی قرار گرفت.

پایایی: KMCSاز همسانی درونی مطلوبی برخوردار است. برای مردان دامنه آلفا بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۵ و برای زنان بین ۰/۸۸ تا ۰/۹۵ است. و پایایی این مقیاس در این پژوهش با روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ بوده است.

ب: **پرسشنامه بی ثباتی زناشویی (MII):**

این مقیاس در سال ۱۹۸۰ توسط ادوارد، جانسون و باس ساخته شد. MII شامل ۱۴ آیتم می باشد که مقیاسی برای سنجش بی ثباتی زناشویی مخصوصاً تمایل به طلاق است و دارای ۲ قسمت است که به ترتیبتمایل به طلاقو جذابیت ها و موانع طلاقرا می سنجد. این مقیاس بر این اساس پایه ریزی شده که شناختها و رفتارها را نیز در بی ثباتی زناشویی مورد محاسبه قرار میدهد که این عامل (بی ثباتی) در بروز طلاق در زوجین دارای نقش موثری است. MIIروی ۲۰۳۴ مرد و زن متأهل زیر ۵۵سال در ۱۹۸۰ و ۱۵۷۸ (۷۸٪) نفر از همان نمونه در سال۱۹۸۳، مورد بررسی قرار گرفت.

پایایی: پایایی این پرسشنامه در این پژوهش دارای ضریبآلفای۰/۸۷ میباشد.

ج: **پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه:**

پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه توسط جفری یانگ (۱۹۹۰) ساخته شده است.

پرسشنامه خود-گزارشی طرحواره های ناسازگار اولیه، دارای ۹۰ ماده است که ۱۸ حیطه از طرحواره های ناسازگار اولیه از قبیل محرومیت هیجانی، رها شدگی/بی ثباتی، بی اعتمادی/بدرفتاری، انزوای اجتماعی/بیگانگی، نقص/بی مهری (بی عشقی)، شکست در پیشرفت، وابستگی/بی کفایتی عملی، آسیب پذیری نسبت به ضرر و بیماری، گرفتاری، اطاعت، ایثار، بازداری هیجانی، معیارهای سختگیرانه، استحقاق/بزرگ منشی، خویشتن داری/خودانضباطی ناکافی، تحسین/جلب توجه، نگرانی/بدبینی، خود تنبیهی را اندازه می گیرد. هر آیتم توسط مقیاس درجه بندی ۶ تایی نمره گذاری می شود (۱= کاملا نادرست. ۲= تقریبا نادرست. ۳= بیشتر درست تا غلط. ۴= اندکی درست. ۵= تقریبا درست. ۶= کاملا درست.) بنابراین نمرات این پرسشنامه با جمع نمرات ماده های هر مقیاس به دست می آید.

پایایی: پایایی این پرسشنامه در این پژوهش ۰/۹۶ می باشد.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.4.3]

در این تحقیق با توجه به نرمال نبودن توزیع متغیر های اصلی پژوهش از معادل ناپارامتریک MANOVA (آنالیز واریانس چند متغیری) یعنی کروسکال-والیس (Kruskal-Wallis) و همچنین از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

یافته های تحقیق

جدول ۱

نتایج آزمون نرمال بودن کولموگروف-اسمیرنوف (K-S) هر یک از متغیرهای اصلی پژوهش

	طرحواره های ناسازگار اولیه	تعارض زناشویی	بی ثباتی زناشویی
میانگین	۱۵۶۷/۲۴۱	۴۱۶۷/۱۰۶	۹۱۳۳/۳۷
انحراف معیار	۰۳۲۸۶/۷۰	۷۲۷۸۲/۱۹	۱۳۸۱۹/۱۱
مطلق	۰/۱۶۳	۰/۱۴۲	۰/۱۹۰
مثبت	۰/۱۶۳	۰/۰۹۸	۰/۱۹۰
منفی	۰/۰۷۹	۰/۱۴۲	۰/۰۸۴
K-S) Z)	۲/۸۳۱	۲/۸۶۴	۳/۲۹۸
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
N	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰

بر اساس نتیجه آزمون (K-S) مشخص می گردد که هرسه متغیر اصلی پژوهش (طرحواره های ناسازگار، تعارض زناشویی و بی ثباتی زناشویی) دارای توزیع داده های نرمال نیستند.

بنابراین نمی توان از آزمونهای پارامتریک استفاده نمود. حتی پس از تبدیل داده ها به داده های خطی باز هم توزیع نرمال نیست. از این رو به جای آزمون های پارامتریک معادل ناپارامتریک آنها به کار می رود.

جدول ۲

نتایج ضریب همبستگی اسپرمنی بین متغیرهای طرحواره های ناسازگار اولیه و بی ثباتی زناشویی و تعارض زناشویی

متغیرها	زوجین	میزان همبستگی	سطح معناداری
طرحواره های ناسازگار-بی ثباتی زناشویی	عادی	۰/۲۱۷	۰/۰۰۴
طرحواره های ناسازگار-بی ثباتی زناشویی	طلاق	۰/۲۸۵	۰/۰۳۷
طرحواره های ناسازگار-تعارضات زناشویی	عادی	۰/۲۷۴	۰/۰۰۰
طرحواره های ناسازگار-تعارضات زناشویی	طلاق	۰/۱۹۰	۰/۱۰

با توجه سطح معنی داری می توان گفت: بین طرحواره های ناسازگار اولیه و تعارضات زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه مستقیم وجود دارد. بین طرحواره های ناسازگار اولیه و تعارضات زناشویی در زوجین عادی نیز رابطه مستقیم وجود

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.4.3]

دارد. بین طرحواره های ناسازگار اولیه و بی ثباتی زناشویی در بین زوجین متقاضی طلاق رابطه مستقیم وجود دارد و بین طرحواره های ناسازگار اولیه و بی ثباتی زناشویی در زوجین عادی رابطه معنی داری وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

. بین طرحواره های ناسازگار اولیه و تعارضات زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد. با ۹۹ درصد اطمینان می توان گفت بین طرحواره های ناسازگار اولیه و تعارضات زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه مستقیم وجود دارد. ذوالفقاری، فاتحی زاده و عابدی (۱۳۸۷) در پژوهشی که بمنظور بررسی رابطه ی بین طرحوارههای ناسازگار اولیه و تعارض زناشویی انجام دادند، نتایج نشان داد که که بین طرحوارههای ناسازگار اولیه با ابعاد تعارض زناشویی به غیر از« جداکردن امور مالی از یکدیگر » رابطه ی مثبت و معناداری وجود دارد. رفیعی و خاتمی و فروغی (۱۳۹۰) در پژوهشی که به منظور بررسی رابطه بین طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک دلبستگی در زنان دارای خیانت زناشویی انجام دادند، به این نتایج دست یافتند که هرچه طرحواره ها ناسازگارتر باشند، رضایت زناشویی کاهش می یابد. یوسفی (۱۳۹۰) در پژوهش خود تحت عنوان مقایسه ی اثربخشی دو رویکرد خانواده درمانی مبتنی بر طرحواره های درمانی و نظام عاطفی بوون بر طرحواره های ناسازگار اولیه در مراجعان متقاضی طلاق، نشان داد که بین مراجعان متقاضی طلاق گروه های آزمون و شاهد در متغیر وابسته ی طرحواره های ناسازگار اولیه، تفاوت معناداری وجود دارد. برادبوری و فینچام و بیچ[1] (۲۰۰۸) میلر و توماس[2] (۱۹۹۵) نشان دادند که طرحواره های منفی در تعاملات سازگارانه و ناسازگارانه همسران نقش اساسی دارند. بهروز و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود تحت عنوان مقایسه ی ویژگی های شخصیتی و سبک های اسنادی در زوج های عادی و متقاضی طلاق، به این نتیجه رسیدند که بین دو گروه زوج های عادی و متقاضی طلاق از نظر استفاده از سبک های اسنادی و ویژگی های شخصیت تفاوت معناداری وجود دارد. دی آندریا[3] (۲۰۰۴) و راسین[4] (۲۰۰۵) طرحواره های ناسازگار اولیه را با هیجان های مثبت، اعتمادبه نفس و سازگاری مشارکتی همسران دارای رابطه منفی گزارش نمودند. با توجه به یافته های همسو با این فرضیه که بدان ها اشاره شد، هرچه حضور طرحواره های ناسازگار اولیه افزایش یابد، رضایت وصمیمیت زناشویی کاهش یافته و ناسازگاری ها و اختلافات زناشویی افزایش می یابد. این یافته ها و همسویی آنها با پژوهش های دیگر نشانگر نقش تردیدناپذیر و تعیین کننده طرحواره ها در تعارض زناشویی زوجین است.

[1] -Bradbury&Fincham&Beach
[2] -Miller&Thomas
[3]-D’ Andrea
[3] -Racine

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.4.3]

با ۹۹ درصد اطمینان می توان گفت بین طرحواره های ناسازگار اولیه و تعارضات زناشویی در زوجین عادی نیز رابطه مستقیم وجود دارد. این نتیجه نیز با نتایج مطالعه ذوالفقاری، فاتحی زاده وعابدی (۱۳۸۷) همسو میباشد. درپژوهشی که نشان داد بین طرحواره های ناسازگار اولیه با ابعاد تعارض زناشویی به غیر از «جداکردن امور مالی از یکدیگر » رابطه ی مثبت و معناداری وجود دارد.یوسفی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی دریافتند که طرحواره هاین اسازگار اولیه با نارضایتی زناشویی مرتبط هستند، همچنین مداخله طرحواره محور درارتقاء رضایت زناشویی زوجین اثربخش بود. حیدری و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود تحت عنوان بررسی اثربخشی گفتگوی مؤثر بر کاهش تعارضات زناشویی، به این نتیجه دست یافتند که آموزش روش گفتگوی مؤثر می تواند میزان تعارضات زناشویی را به طور معناداری کاهش دهد و بر متغیرهای مؤثر در رضایت زناشویی همانند همکاری، رابطه ی جنسی، واکنش های هیجانی نسبت به یکدیگر و جلب حمایت فرزند یا فرزندان، تأثیر بگذارد. فارل، شاووبر[1] (۲۰۰۹) در پژوهشی به بررسی تاثیر گروه درمانی با رویکرد طرحواره محور روی افراد دارای اختلال شخصیت مرزی پرداختند. یافته ها نشان داد که گروه درمانی با رویکرد طرحواره محور یک درمان مؤثر جهتب هبود در عملکرد کلی ارتباطی افراد نمونه بوده است. بهمنی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی نشان دادند که طرحواره های ناسازگار اولیه زوجین در زندگی زناشویی عامل مهمی در شکل گیری عملکرد مختل آنها می باشد. این یافته هابا نتیجه این فرضیه همسو می باشند و همگی این مطلب را می رسانند که مشکلات ناشی از طرحواره های ناسازگار اولیه در تعارضات زناشویی زوجین نقش مهمی دارد. در این پژوهش نیز به این نتیجه رسیدیم که طرحواره های ناسازگار اولیه با تعارضات زناشویی در زوجین عادی رابطه معنادار و مستقیمی دارد.

با ۹۹ درصد اطمینان میتوان گفت بین طرحواره های ناسازگار اولیه و بی ثباتی زناشویی در بین زوجین متقاضی طلاق رابطه مستقیم وجود دارد. یوسفی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که طرحواره های ناسازگار اولیه به عنوان پیش بینی کننده طلاق در رابطه زناشویی می باشند. هالویج و ریچتر[2] (۲۰۱۰) در پژوهش خود تحت عنوان پیشگیری از بی ثباتی و پریشانی زناشویی، به این نتیجه رسیدند که آموزش، در بهبودی روابط زوجین تأثیر داشته و استقبال طلاق بطور قابل توجهی در آنها پایین تر آمده است. محمدنظری و صاحبدل و اسدی (۱۳۸۹) در پژوهش خود تحت عنوان بررسی ارتباط بین سبک های دلبستگی و میزان بی ثباتی ازدواج در زنان و مردان متأهل، به این نتیجه رسیدند که بین افراد دارای سبک های دلبستگی از نظر میزان بی ثباتی ازدواج تفاوت معناداری وجود دارد. یوسفی (۱۳۹۰) در پژوهشی دیگر در مورد اثر طرحواره درمانی در مراجعان متقاضی طلاق، به این نتیجه رسیده که طرحواره درمانی در کاهش میل به طلاق تاثیر دارد. بر اساس یافته های موجود و همسویی آنها با یافته این پژوهش می توان گفت که بین طرحواره های ناسازگار اولیه و بی ثباتی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه ای مثبت وجود دارد. با ۹۵ درصد اطمینان میتوان گفت بین طرحواره های ناسازگار اولیه و

[1]-Farrell & Shaw & Webber
[2] -Hahlweg & Rechter.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.4.3]

بی ثباتی زناشویی در زوجین عادی هیچ نوع رابطه معنی داری وجود ندارد. بک و امری (۱۹۸۵) یانگ و گلوسکی (۱۹۹۷) بیچ، ساندین و اولری (۱۹۸۷). یوسفی و همکاران (۱۳۸۹). هالویج و ریچتر (۲۰۱۰).یوسفی (۱۳۹۰) جعفری هرندی (۱۳۸۱)، وکارداک (۲۰۰۹) در پژوهش های خود به رابطه معنی دار طرحواره های ناسازگار اولیه و از هم پاشیدگی خانوادگی اشاره کردند که این پژوهشها همسو با این یافته نیست. این نتیجه را می توان این گونه تبیین کرد که زوجهای عادی به این دلیل که از ثبات بیشتری در زندگی زناشویی برخوردارند رابطه معناداری بین بی ثباتی زناشویی و طرحواره های ناسازگار اولیه در این پژوهش به دست نیامد و اما این رابطه در زوجین متقاضی طلاق وجود دارد. بر اساس نتایج طرح پیشنهاد می شود که شیوه های صحیح رفتاری از طریق برگزاری دوره های آموزشی قبل از ازدواج تحت عناوین آموزش مهارتهای زندگی و طرحواره درمانی اموزش داده شود. و همچنین به زوجین با داشتن مدلی کارآمد بر اساس طرحواره های ناسازگار اولیه جهت بالا بردن بینش همسران از یکدیگر جهت کاهش اختلافات زناشویی و طلاق آموزش و مشاوره داده شود و مشاورین در مراکز مشاوره با دقت نظر و توجه بیشتری به طرحواره های ناسازگار در پیشگیری و کنترل مشکلات زناشویی و حتی طلاق، به مراجعین خود یاری رسانند. بر سر راه هر نوع پژوهشی محدودیت ها و مشکلاتی وجود دارد در اجرای این تحقیق نیز محدودیت هایی وجود داشت. در مورد کنترل آنها و عدم اثربخشی این محدودیت ها بر نتایج سعی بسیار شده است. این محدودیت ها به شرح زیر است:

- همراه هم نبودن زوجین جهت پاسخدهی به پرسشنامه.
- دشواری در جلب رضایت متقاضیان طلاق جهت پاسخدهی به پرسشنامه به دلیل تنش ها و استرسهای ناشی از طلاق.
- انجام پژوهش در یک شهر تعمیم نتایج آنرا محدود میکند.

پیشنهاد می شود چنین پژوهشی در حجم وسیع تر و جامعه آماری دیگری نیز انجام گیرد. چنانچه متغیرهای دیگری در کنار متغیرهای پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گیرند نتایج قابل توجهی بدست خواهد آمد. به علت تفاوتهای فرهنگی و اجتماعی پیشنهاد میگردد پژوهش های مشابهی در دیگر شهرها هم انجام گرفته و نتایج مورد مقایسه قرار گیرد. این پژوهش توسط پژوهشگران دیگر تکرار شود تا قابلیت تعمیم نتایج بیشتر شود.

پیشنهادات کاربردی این پژوهش عبارتند از: آموزش شیوه های صحیح رفتاری از طریق برگزاری دوره های آموزشی قبل از ازدواج تحت عناوین آموزش مهارتهای زندگی و طرحواره درمانی. ترویج فرهنگ مراجعه ی خانواده ها به مراکز مشاوره خانواده در هنگام بروز اختلافات. آموزش به زوجین باداشتن مدلی کارآمد براساس طرحواره های ناسازگار اولیه جهت بالا بردن بینش

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.4.3]

همسران از یکدیگر جهت کاهش اختلافات زناشویی و طلاق. مشاورین در مراکز مشاوره با دقت نظر و توجه بیشتری به طرحواره های ناسازگار در پیشگیری و کنترل مشکلات زناشویی و حتی طلاق، به مراجعین خود یاری رسانند.

منابع

بهروز، بهروز،محمدی، فرحناز،علیآبادی، شهرام،کجباف، محمدباقر،حیدریزاده، نسرین،بهروز، بهزاد (۱۳۹۳). مقایسه ی ویژگی های شخصیتی و سبک های اسنادی در زوج های عادی و متقاضی طلاق. مجله ی دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی، سال پانزدهم، ۱، ۶۱-۵۲.

بهمنی، مجید،رفاهی، ژاله،قادری، زهرا (۱۳۹۰). تأثیر اموزش زوج درمانی طرحواره محور بر بهبود عملکرد زوجین. فصلنامه روشها و مدلهای روانشناختی، ۲.، ۲۳-۴۵

تقی پور جوان، عباسعلی، حسن نتاج جلوداری، فهیمه و یارمحمدیان، احمد (۱۳۹۱). رابطه بین بخشش، تعارضات زناشویی و سلامت روان در دانشجویان متأهل. مجموعه مقالات ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه گیلان، ۲۱۰، ۱۷-۳۴

جعفری هرندی، س (۱۳۸۱). بررسی رابطه تعارض های زناشویی و بی ثباتی ازدواج (مستعد طلاق بودن) در زنان جوان اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشگاه اصفهان: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

حیدری، حسن،ثنایی ذاکر، باقر،نوابی نژاد، شکوه،دلاور، علی (۱۳۸۸). بررسی اثربخشی گفتگوی مؤثر بر کاهش تعارضات زناشویی. مجله ی اندیشه و رفتار، دوره ۴، شماره ی ۱۴، ۴۵-۱۶.

دیویس، کنت،بهاری، فرشاد (۱۳۸۲). راهنمایی مفاهیم وفنون برای متخصص یاوری. موضوع: روان درمانی خانواده، تهران.

ذوالفقاری مطلق، مریم،فاتحی زاده، مریم السادات (۱۳۸۷). بررسی طرحواره درمانی بر اسنادهای زناشویی و باورهای ارتباطی انان در شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان.

رضازاده، محمدرضا (۱۳۸۷). رابطه مهارت های ارتباطی و سازگاری ها زناشویی در دانشجویان. دو فصلنامه روانشناسی معاصر انجمن روانشناسی ایران، ۳ (۱): ۵۰-۴۲.

رضوی، اقدس، فاتحی زاده، مریم، اعتمادی، عذرا و عابدی، محمدرضا (۱۳۸۹). تعیین رابطه طرحواره های ناسازگار اولیه با ابعاد نگرش به نحوه انتخاب همسر در دانشجویان دانشگاه پیام نور استان تهران، ۲ (۱)، ۴۵-۷۰.

رفیعی، سحر،خاتمی، ابوالفضل،فروغی، علی اکبر (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک دلبستگی در زنان دارای خیانت زناشویی. فصلنامه ی علمی-پژوهشی جامعه شناسی زنان، سال دوم، شماره ی اول، بهار ۱۳۹۰، ۳۳-۳۱.

ریاحی، محمداسماعیل،علی وردینیا، اکبر،بهرامی کاکاوند، سیاوش (۱۳۸۶). تحلیل جامعه شناختی میزان گرایش به طلاق. (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه). مجله ی پژوهش زنان، ۵ (۳)، ۱۴۰-۱۰۹.

محمدنظری، علی،صاحبدل، حسین،اسدی، مسعود (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین سبک های دلبستگی و میزان بی ثباتی ازدواج در زنان و مردان متأهل. مجله ی زن و مطالعات خانواده، سال دوم، شماره ی ۸، ۱۲۵-۱۱۵.

نیک منش، زهرا، پیراسته مطلق، علی اکبر (۱۳۹۱). طرحواره های ناسازگار اولیه و کیفیت زندگی. مجموعه مقالات ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه گیلان، ۹۹۷.

یانگ، جفری (۱۹۹۰). شناخت درمانی برای اختلالات شخصیت: رویکرد متمرکز بر طرحواره. ترجمه ی علی صاحبی و حسن حمیدپور (۱۳۸۴) چاپ اول، تهران: انتشارات ارجمند.

یوسف نژاد شیروانی، مائده، پیوسته گر، مهرانگیز (۱۳۹۰). رابطه رضایت از زندگی و طرحواره های ناسازگار اولیه در دانشجویان. دانش. پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱۲ (۲)، ۵۵-۶۵.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.4.3]

یوسفی، ناصر (۱۳۹۰). مقایسه ی اثربخشی دو رویکرد خانواده درمانی مبتنی بر طرحواره درمانی و نظام عاطفی بوون بر طرحواره های ناسازگار اولیه در مراجعان متقاضی طلاق شهر سقز. مجله ی اصول بهداشت روانی، سال ۱۳ (۴)، ۳۵۶-۷۳.

یوسفی، ناصر،سهرابی، احمد (۱۳۹۰). مقایسه ی اثربخشی رویکردهای خانواده درمانی بر حضور ذهن و فراشناخت بر کیفیت روابط زناشویی در مراجعان در استانه طلاق. فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، ۱ (۲)، ۲۱۱-۱۹۲.

یوسفی، رحیم،عابدین، علیرضا،تیرگی، عبدالحکیم،فتح ابادی، جلیل (۱۳۸۹). اثربخشی مداخله اموزشی مبتنی بر مدل طرحواره ها در ارتقاء رضایت زناشویی. مجله ی روانشناسی بالینی، ۲ (۳)، ۳۸-۲۵.

Adesanaya, S. A. (2002) correlates of marital stability among couples, south western Nigeria. Unpublished Ph. D Thesis, University of Ado-Ekiti, Ado Ekiti.

Beach SRH, Sandeen E, Oleary KD (1990). Depression in marriage. New York: Guilford, 16-43.

Beck, A. T. , & Emery, G (1985). Anxiety disorders and phobias: A cognitive perspective. New York: Bassic Books, 46-127.

Bradbury, T. , Fincham, F. , & Beach, S (2008). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. Journal of Marriage and Family. 62, 964-980.

Cheng, Chuan (2010). A study of inter-cultural marital conflict, and satisfaction in Taiwan. International Journal of Intercultural Relations, 34: 354-362.

D`Andrea, J. T (2004). An investigation of the relationship between early maladaptive schemas and psychological adjustment: The moderating effects of spiritual coping styles. Ph. D. Dissertation. New York: New York University, 15-32.

Dew, Jeffrey & Dakin, John (2011). Financial disagreements and marital conflict tactics. The Journal of Financial Therapy, Volume 2, Issue 1: 23-42, Social Development, 21 (3): 446-460.

Faircloth, W. B. Schermerhorn, A. C. Mitchell, P. M. Cummings, J. S. Cummings, M. (2011). Testing the long-term efficacy of a prevention program for improving marital conflict in community families. Journal of applied developmental psychology,32: 189-197.

Farrel JM, Shaw IA, Webber MA (2009). A Schema focused approach group Psychotherapy for Outpatients with Borderline Personality Disorder: A controlled trail. J Behavior Psychotherapy and Expert Psychiatry; 40 (2): 317-328.

Hahlweg, K. Richter,d (2010). Prevention of marital instability and distress: Result of an 11 year longitudinal follow-up study. Behavior research and therapy,48,377-383.

Istat (2007) marital instability, according to Italian statistical institution.

Kurdek, L (2009). Gender and marital satisfaction early in marriage: A growth carve approach. Journal of marital and family therapy, 5, 68-84.

Mannering, A. M. Harold, G. T. , Leve, L. D. , Shelton, K. H. , Shaw, D. S. , Conger, R. D. , Neiderhiser, J. M. , Scaramella, L. V. , Resis, D. (2011). Longitudinal associations between marital instability and child sleep problems across infancy and toddlerhood in adoptive families. Child Development, Volume 82, Issue 4: 1252-1266.

Miller, G. E. , & Thomas, B. N (1995). Refining the association between attribution and behavior in marital interaction. Journal of Family Psychology, 9,196-208.

Panahifar, Sajad, Yousefi, Naser & Amani, Ahamd (2014). The effectiveness of schema-based couple therapy on early maladaptive schemata adjustment and the increase of divorce applicants adaptability. Volume103, Number 1.

Paschal sheeran, Sheina Orbell (2000) ,European Journal of Social Psychology, self schemas and the theory of planned behavior.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.4.3]

Racine, C (2005). Does religious coping moderate the relationship between early maladaptive schemas and negative trait affect, college adjustment, and alcohol use? Ph. D Dissertation. New York: New York University, 8-79.

Todesco, Lorenzo (2012). Family social background and marital instability in Italy. Do parental education and social class matter? Social Science Journal, SOCSCI-998: 1-15.

Young JE (2003). Schema therapy. New York: Guilford. 123-218.

YoungJ, Gluhoski V (1997). A schema focused perspective on satisfaction in close relationships. In Sternberg RJ, Hojjat M. Satisfaction in close relationships. New York: Guilford Press; 356-381.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1394.1.1.4.3]